



Development of Science, Interdisciplinary Thinking and the Risk of Fundamental Damage to the Geography of Iran

Iraj Jabbari¹ 

1. Corresponding Author, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

E-mail: iraj.jabbari@razi.ac.ir

Article Info

Article type:

Editorial Paper

Article history:

Received: 6 Dec. 2021

Accepted: 21 Dec. 2021

Keywords:

Iran Geography,
Applied Geography,
Geography Graduates,
Geography Education,
Interdisciplinary.

ABSTRACT

Despite the significant development of geography filed in Iran in terms of the number of educational centers, methodologies, research and educational approaches, it has not been able to participate in solving the problems of society in line with international development. However, there are a lot of problems in the society that can be potentially solved by geographers. These problems are divided into two groups: The first group is projects that have been approved for decades and for some reasons, their implementation has been postponed. The second group is updated topics, and here, too, new geography curricula make it difficult to demonstrate its practical aspects in geographical understanding of the subject and identify the possible types of participation to solve the problem within interdisciplinary studies. In this context, understanding of the concept of interdisciplinary studies appears in the form of non-professional intervention in other sciences and overlapping tasks instead of solving the problem with each other. Therefore, in the absence of control and involvement of collective thought in explaining and limiting scientific boundaries, entrants in quantitative and engineering sciences may take over the geographical subjects. There are various reasons for the lack of unity and intellectual cohesion among geographers, of which the absence of serious support from geographical executives of this knowledge, poor involvement of geographical associations and powerless performance of journals to focus on research are important factors. Lack of purposeful educational planning on the basis of solving society problems that originates from these weaknesses, creates mental confusion in undergraduates, and prevents them from solving simple problems. Added to this, the lack of decisive educational planning on the basis of solving the problems of the society that originates from these weaknesses by creating mental confusion in the undergraduates, prevents them from solving even simple problems while in higher education levels, it deprives them of choosing the appropriate subject and producing significant scientific findings. Hence, the activation of scientific associations, the serious cooperation of geographers with the associations, the administrative assistance of educated geography politicians in accordance with the requests of the associations and the serious performance of the journals in guiding and publishing the original researches are the first step to get out of this impasse.

Cite this article: Jabbari, I. (2021). Development of science, interdisciplinary thinking and the risk of fundamental damage to the geography of Iran. *Geography and Sustainability of Environment*, 11 (3), 1-8. DOI: 10.22126/GES.2022.7409.2494



© The Author(s).

DOI: 10.22126/GES.2022.7409.2494

Publisher: Razi University



گسترش علم، تفکر بین رشته‌ای و خطر آسیب‌های بنیادی به جغرافیای ایران

ایرج جباری^۱

۱. نویسنده مسئول، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: iraj.jabbari@razi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: سرمقاله	<p>جغرافیای ایران علی‌رغم توسعه چشمگیری که از نظر تعداد مراکز آموزشی، روش‌شناسی و رویکردهای پژوهشی و آموزشی داشته، نتوانسته است متناسب با توسعه بین‌المللی آن را در حل مشکلات جامعه مشارکت بدهد. این در حالی است که تلی از مشکلات در جامعه وجود دارد که حل آن‌ها می‌تواند به طور بالقوه به دست متخصصان جغرافیا صورت گیرد. این مشکلات به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول پروژه‌هایی است که از ده‌ها سال قبل تصویب شده و بنابه دلایلی انجام آن تا الان به تعویق افتاده، یا با سطح فعلی آموزش مشارکت در آن‌ها به‌طور ضعیف صورت می‌گیرد و گروه دوم موضوعات به روزی هستند که در این‌جا نیز برنامه‌های آموزشی جدید جغرافیا برای نشان دادن جنبه‌های کاربردی آن اجازه درک جغرافیایی موضوع و تشخیص نوع مشارکت ممکن را برای حل مشکل موجود در بطن مطالعات بین‌رشته‌ای دشوار می‌سازد. در این شرایط برداشت از مفهوم مطالعات بین‌رشته‌ای به‌جای حل مشکل با مشارکت همدیگر، به صورت دخالت غیرحرفه‌ای در علوم دیگر و تداخل وظایف ظاهر می‌شود که در صورت نبود کنترل و دخالت اندیشه جمعی در توضیح و تحدید قلمروهای علمی، صاحب‌نظران علوم کمی و مهندسی، مسائل کاربردی جغرافیا را هدایت خواهند کرد. دلایل مختلفی برای این نبود وحدت و انسجام راهبردی در بین جغرافیدانان وجود دارد که عدم حمایت جدی مسئولان اجرایی جغرافیای ایران از این دانش، فعالیت ضعیف انجمن‌های جغرافیایی و عملکرد ضعیف نشریات برای تمرکز تحقیقات از عوامل مهم می‌باشد. نبود برنامه‌ریزی آموزشی هدفمند و مبتنی بر حل مشکلات جامعه که از این ضعف‌ها سرچشمه می‌گیرد با ایجاد آشفتگی فکری در فارغ التحصیلان کارشناسی آن‌ها را از حل موضوعات ساده باز داشته و در سطوح بالا انتخاب موضوع متناسب و تولید یافته‌های علمی قابل توجه که به عنوان تنها خروجی علمی دانشگاه‌ها به شمار می‌رود را از آن‌ها سلب می‌کند. از این رو، فعال شدن انجمن‌های علمی، همکاری جدی جغرافی‌دانان با انجمن‌ها، کمک‌های اداری سیاستمداران تحصیل‌کرده جغرافیا برای اجرایی کردن درخواست انجمن‌ها و عملکرد جدی نشریات در هدایت و چاپ تحقیقات اصیل اولین گام در جهت برون‌رفت از این بن بست می‌باشد.</p>
تاریخچه مقاله:	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰	
کلیدواژه‌ها:	
جغرافیای ایران، جغرافیای کاربردی، فارغ التحصیلان جغرافیا، آموزش جغرافیا، بین‌رشته‌ای.	

استناد: جباری، ایرج (۱۴۰۰). گسترش علم، تفکر بین رشته‌ای و خطر آسیب‌های بنیادی به جغرافیای ایران. *جغرافیا و پایداری محیط*، ۱۱ (۳)، ۸-۱.

DOI: 10.22126/GES.2022.7409.2494



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

مقدمه

دانش جغرافیا هم از نظر ماهیت چندرشته‌ای خود و هم از نظر کاربرد در مدیریت محیط مطرح بوده است. البته بین این واقعیت تا سطح آن در کشورهای مختلف فاصله وجود دارد که بخش اعظم آن را ساختار سیاسی، فرهنگی و آموزشی کشورها توجیه می‌کند. بخشی نیز به اندیشمندان و تلاش آن‌ها برای حفظ ماهیت علم و انتقال آن به عنوان امانتی باارزش برای نسل‌های بعدی بستگی دارد که با سرعت رشد تکنولوژی و ارتباطات انتظار می‌رود جغرافیای ایران نیز بتواند با کاهش فاصله با دانشگاه‌های بزرگ جهان، از عهده آن برآید. از این رو در این مطالعه قصد بر این است که در باره علل کندی رشد جغرافیای ایران بحث شود و با این روند سرنوشتی که ممکن است برای آن رقم بخورد ترسیم شود.

روند رشد جغرافیای جهان

با بررسی اولویت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه‌های تراز اول جهان در سال ۲۰۲۰ (سایت جئوگرافی ریلیم^۱) می‌توان به این نتیجه رسید که حفظ ماهیت علمی رشته بدون توجه به عناوین و درک پدیده‌های مهم قابل حل از طریق جغرافیا دو اصل مهم در این دانشگاه‌هاست. برای مثال وجود مرکز تحقیقاتی مانند «یخچال‌شناسی و زمین‌شناسی» آن هم در گروه جغرافیای دانشگاه کمبریج یا رشته «تنوع زیستی» در دانشگاه اکسفورد این موضوع را روشن می‌سازد که همه دانشمندان شاخه‌های مختلف علمی به قدری به فلسفه و قلمرو مطالعاتی خود آشنا هستند که در استفاده از عناوین و واژگان نیز هیچ محدودیتی را برای نشان دادن میدان عمل خود قائل نمی‌شوند. از سوی دیگر اختصاص تحقیقات بر روی مسائلی مانند «جغرافیای دانش» در دانشگاه کمبریج این امکان را به آن‌ها می‌دهد که اثرات فرایندهای تاریخی، فرهنگی و سیاسی را بر میزان درک جهان فرمول بندی کنند. الگوهای به دست آمده از این رهگذر علاوه بر صدها امکان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که برای آن‌ها به وجود می‌آورد، در مقیاس بزرگ این فرصت را نیز فراهم می‌کند تا از میزان دانش جوامع دیگر در باره «سطح درک جهان و قدرت تجزیه و تحلیل روابط» آگاه شوند و با این آگاهی در باره میزان موفقیت سیاست‌های خود تصمیم بگیرند. بنابراین، در یک چنین ساختاری از هویت علمی، ورود هر تفکر جدید آموزشی و پژوهشی نه تنها آسیبی به ماهیت بنیادی این رشته وارد نمی‌کند، بلکه کارایی‌های جدیدی را نیز برای آن تعریف می‌کند.

ظهور و بهره‌برداری از تفکر مطالعات بین‌رشته‌ای در جهان پیشرفته

یکی از پدیده‌هایی که امروزه جامعه علمی با آن روبه‌رو است، توسعه مطالعات بین رشته‌ای است. البته ترویج تفکر آن به جنبش وحدت علمی در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در غرب برمی‌گردد (کلین^۲، ۲۰۰۰: ۵) که به تدریج از آن به عنوان اصلاح، نوآوری و پیشرفت یاد شد (ونگارت و ستلر^۳، ۲۰۰۰). از سال ۱۹۷۲، به دنبال تحقیقات گسترده بین‌المللی، ترویج آن در آموزش و ساختارهای سازمانی دانشگاه‌ها شروع گردید، ولی دچار فراز و نشیب‌هایی شد که اکنون استقبال کمتری را نسبت به دهه ۱۹۷۰ پیدا کرده است (پیترسون^۴، ۱۹۹۰، ۲۲۳). این بیشتر به این دلیل بود

1. geographyrealm
2. Klein
3. Weingart and Stehr
4. Peterson

که اندیشمندان علم‌علی‌رغم آگاهی از مزایای این نوع مطالعات، به موانع (خرسندی طاسکوه، ۲۰۰۹) و شیوه برخورد عاقلانه با آن‌ها فکر می‌کردند. از همه مهم‌تر از بین رفتن ماهیت رشته‌ها و تداخل بین علوم بود که آن‌ها را وادار می‌کرد تا در پیاده کردن این تفکر احتیاط‌های لازم را از خود نشان دهند. امروزه در غرب برحسب نیازهای جامعه به مطالعات میان رشته‌ای می‌پردازند و زمانی به ایجاد تخصص‌های جدید رضایت می‌دهند که اولاً پیش‌شرط‌های مورد نیاز این همکاری برای انجام موفق پروژه‌های کاربردی (تاکارو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳: ۶) و اهداف آموزشی (کمیته ملی تحقیق در مورد آموزش عالی^۲، ۱۹۹۷) رعایت شده باشد و ثانیاً براساس این اهداف مشخص شود که چه نوع ادغام و ترکیبی از میان انواع ادغام‌ها (جیکوب^۳، ۲۰۱۵) انتخاب شود که مهارت‌های لازم را به دانشجویان برای جذب آن‌ها در بازار کار و مشارکت در حل مشکلات جدید آموزش دهد.

رویکرد مطالعات بین‌رشته‌ای در ایران

متخصصین در بسیاری از موارد ریشه‌های علل عدم موفقیت پروژه‌های عمرانی را به‌درستی به کیفیت پایین تحقیقات امکان‌سنجی پیشین آن‌ها نسبت می‌دهند. شاید با مقایسه قراردادهای طرح‌های تحقیقاتی همکاران دانشگاهی یا مراکز پژوهشی با سازمان‌های مختلف بتوان یکی از دلایل اصلی آن را به عدم مغایرت عناوین تحقیقاتی با تخصص‌های مربوطه نسبت داد. این شیوه عمل با ورود تفکر بین رشته‌ای چهره‌موجهی به خود می‌گیرد و بهترین بهانه را برای نادیده گرفتن مرزهای دانش و استفاده از هر فرصتی برای دخالت غیرحرفه‌ای در انجام پروژه‌ها یا تحقیقات کاربردی و استفاده از فرصت‌های شغلی نامأنوس با رشته تخصصی فراهم می‌کند. در این جریان، فاجعه واقعی برای هر رشته زمانی رخ می‌دهد که اندیشمندان آن عملاً نتوانند در پروژه‌های مربوطه و حل مشکلات جامعه توانایی خود را ثابت کنند. شواهد نشان می‌دهد که چنین سرنوشتی برای جغرافیا به دلیل تأخیر زمانی بین ظهور مشکل تا تصمیم برای حل آن و سردرگمی در درک موضوعات گذشته و معاصر رخ می‌دهد.

مواجهه جغرافیدانان با پروژه‌های کلان تحقیقاتی در گذشته

در ایران حجم زیادی از تحقیقات ضروری مانند تهیه نقشه‌های کاداستر، کاربری زمین، ژئومورفولوژی و نقشه‌های کاربردی دیگر که حتی برای کشورهای آفریقایی تهیه شده (کوک و دورتکمپ^۴، ۱۹۹۰: ۲۰)، از گذشته جمع شده و هنوز به سامان نرسیده است. برای مثال کاداستر از سال ۱۳۳۴ تصویب شده است و حتی در سازمان ثبت اسناد برای کارشناسان جغرافیا برای این منظور موقعیت سازمانی در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۶۸ مجدداً در مجلس برای نحوه انجام آن قوانینی تصویب شد ولی متأسفانه نبود تعریف از متخصصان متولی تهیه این نقشه‌ها، دست را برای هر گونه دخالت غیرکارشناسانه باز گذاشت. طرح آمایش سرزمین نیز یکی دیگر از وظایف اصلی جغرافی‌دانان است که اتفاقاً کاربرد ماهیت بین رشته‌ای بودن جغرافیا را به رخ می‌کشد، ولی به راحتی توسط متخصصان رشته‌های دیگر در استان‌ها انجام شده یا در شرف انجام می‌باشد. در هر حال نحوه برخورد معکوس جامعه جغرافیا با این حجم نیازهای جامعه، با تغییر عناوین واحدهای درسی دانشگاهی به بهانه هماهنگی با موضوعات جدید جهانی جالب توجه می‌باشد

1. Nancarrow

2. National Committee of Inquiry into Higher Education

3. Jacob

4. Cooke and Doornkamp

که به کاهش و حذف تدریجی دروسی مانند نقشه برداری و کارتوگرافی از برنامه درسی منجر شد و این راه را نیز که می‌توانست برای دانشجویان امیدوار کننده باشد، برای فارغ التحصیلان بست و انعکاس آن در جامعه به صورت کیفیت پایین خدمات جغرافیایی مانند انتشار نقشه‌های عمومی جغرافیا با ده‌ها اشتباه کارتوگرافیک ظهور کرد.

ظهور موضوعات جدید جغرافیایی و شیوه عملکرد جامعه جغرافیایی ایران

با پیچیدگی روابط انسانی و اعمال سیاست‌ها در سطوح مختلف جهانی تا محلی و ایجاد حجم عظیمی از مشکلات در فضای جغرافیایی و الگوهای اشغال آن، موضوعات جدید جغرافیایی شکل می‌گیرند که جغرافی‌دانان جهان را به دنبال این موضوع هدایت می‌کنند که چگونه جنبه‌های مختلف علوم طبیعی، انسانی و فنی را به هم پیوند دهند تا بتوانند الگوها و فرایندهای مکانی را که بر مسائل جهانی، منطقه‌ای و محلی و در نتیجه نسل‌های کنونی و آینده تأثیر می‌گذارند، توجیه کنند. موضوعاتی مانند گرمایش جهانی، سیاست‌های بین‌المللی، مخاطرات محیطی، شیوه‌های بهره‌برداری از منابع آب و خاک و زمین و صدها موضوع دیگر که منجر به تغییر دینامیک فرایندها می‌شود، بحث روز جغرافیای جهان است. در حالی که در ایران اندیشمندان جغرافیا برای ورود این موضوعات به برنامه‌های آموزشی و پژوهشی از جهان پیشرفته فاصله دارند و تا این مسیر را طی کنند، زمان زیادی را از دست خواهند داد. این پدیده در گذشته نیز اتفاق افتاده و نتیجه این شده است که نه دانشجویان در بازار کار توانسته‌اند کارآیی خود را نشان دهند و نه پژوهشگران قادر شده‌اند به طور مؤثری در حل مشکلات جامعه سهیم باشند. این نشان می‌دهد که در کشور، مرجعی مطمئن و فعال که بتواند وظیفه تمرکز و وحدت اندیشه‌ها و معرفی علم را برعهده داشته باشد وجود ندارد. این روال معمولاً توسط سه عنصر صورت می‌گیرد: حمایت جدی صاحب‌منصبان یا سیاستمداران، فعالیت‌های انجمن‌های علمی و عملکرد جدی نشریات علمی. اکنون باید بررسی شود که این سه عنصر در ایران چگونه عمل می‌کنند.

نقش سیاستمداران جغرافی‌خوآن در رونق بخشی تحقیقات جغرافیایی

خوشبختانه تعداد زیادی از تحصیل‌کردگان عالی جغرافیا را می‌توان برشمرد که در امور اجرایی و در سطوح بالای مدیریتی مشغول شده و تلاش‌های زیادی را نیز در جهت ارتقاء میزان جذب فارغ التحصیلان این رشته به عمل آورده‌اند. باوجود این تلاش‌های آنها به دو دلیل اثرات گسترده و پایداری نداشته است: نخستین دلیل این است که آنها هنوز متقاعد نشده‌اند که بین آنها و جامعه دانشگاهی مرزی وجود دارد. اصولاً بین استادان دانشگاه که به طور دائم باید با آخرین یافته‌های علمی سروکار داشته باشند با مجریان و مدیران دولتی که فرصت چنین مطالعه‌ای را ندارند، از نظر سطح معلومات تفاوت زیادی وجود داشته باشد (مورک^۱، ۱۹۹۷: ۶۵). در این شرایط هیچ سیاستمدار یا مسئول رده بالایی برای موفقیت در وظایف خود راضی نمی‌شود ارتباط خود را از جامعه دانشگاهی قطع کرده و خود را از دریافت کمک‌های فکری آنها محروم کند. ولی ظاهراً تفاوت بین سطح دانش دستگاه اجرایی و دانشگاه و کارایی عملی رشته جغرافیا برای صاحب‌منصبان عالی اجرایی ثابت نشده است. در هر حال، بررسی این موضوع و یافتن راه‌حل‌ها کار دشواری نیست و به دست خود آنها انجام شدنی است.

دومین دلیل این است که سیاستمداران جغرافی‌خوآن به هر دلیلی نخواستند یا نتوانسته‌اند اجرای پروژه‌های کلان جغرافیایی مانند آمایش سرزمین را به متخصصین جغرافیا واگذار کنند که آنها ضمن انجام با کیفیت پروژه، قادر باشند با به کارگیری دانشجویان، مهارت، امید و اشتیاق را در آنها افزایش دهند.

نقش انجمن‌های علمی در انسجام فکری و تولید رویکردهای جغرافیایی بومی

در هر جامعه مترقی انجمن‌های علمی به عنوان ستون اصلی ساختارهای علمی کشور عمل می‌کنند و با برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها، اجتماعات و جلسات نه تنها زمینه ارتباط و هم‌اندیشی را بین اندیشمندان برقرار می‌کنند، بلکه سعی می‌کنند با ایجاد ارتباط با انجمن‌های بین‌المللی مسیر توسعه دانش را در کشور خود باز نگه دارند و از این رهگذر برنامه‌های آموزشی و پژوهشی را هدایت کنند. برای مثال در اروپا انجمن جغرافیدانان^۱ برای تبدیل جغرافیای اروپا به مرجع و استاندارد جهانی توانسته از سال ۲۰۱۹ تاکنون مجموعه ۸ جلدی چالش‌های اصلی در جغرافیا (بُورکه^۲ و همکاران، ۲۰۲۲؛ کروز^۳، ۲۰۲۱؛ کوتسوپولوس و ستل^۴، ۲۰۲۱؛ رستو ایوس^۵، ۲۰۲۰؛ ندکو^۶ و همکاران، ۲۰۲۰؛ اریلی^۷، ۲۰۲۰؛ میگل گزلا^۸ و همکاران، ۲۰۱۹؛ اریلی، ۲۰۱۹؛ کوتسوپولوس و همکاران، ۲۰۱۹) را به چاپ برساند و در آن ضمن تمرکز بر فناوری‌های جغرافیایی قرن بیست و یکم، به طیف وسیعی از قابلیت‌ها و نقش اساسی آن‌ها در حل و فصل مؤثر مسائل حیاتی روزمره، مانند محیط‌زیست، پایداری، تغییرات آب و هوایی، برنامه‌ریزی شهری، اقتصاد، فرهنگ و ژئوپلیتیک بپردازد. در حالی که در ایران عملکرد انجمن‌ها برای تجمیع نظرات و دیدگاه‌های متخصصین به قدری ضعیف می‌باشد که اثرات آن در ساده‌ترین و اساسی‌ترین برنامه‌های آموزشی و پژوهشی آشکار می‌گردد. برای مثال تنظیم عناوین دروس و تدوین سرفصل‌ها که با ضرب الاجل وزارت علوم هر ۵ سال یک بار انجام می‌گیرد، چنان با سرعت و بدون هدف دنبال می‌شود که هر گونه برنامه‌ریزی آموزشی و آینده‌نگری در باره کارآمدی علم را از تصمیم‌گیران سلب می‌کند. نتیجه این که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری که به عنوان تنها منبع تولیدات علمی برای مراکز دانشگاهی باقی مانده‌اند، با آموزش پراکنده، ناقص، غیراستاندارد و گاهی تکراری در باره مبانی و بعضی مفاهیم تکنیکی به دلیل عدم وجود اندیشه علمی متمرکز، در انتخاب موضوع خود سرگردان مانده و با ارجاع استاد به موضوعات تکراری و حداکثر پیاده سازی مدل‌ها و شاخص‌ها با دلسردی تمام همین تمرین را نیز به صورت کامل انجام نمی‌دهند.

عملکرد نشریات جغرافیایی

نشریات جغرافیایی در سایه تصمیمات کلان شورای نشریات وزارت علوم و تأکید بر چارچوب‌های علمی مقالات و همچنین اجبارهای ضابطه‌مند برای ارتقای استادان، توانسته‌اند تحولات مثبت را مانند سایر علوم در جامعه جغرافیا به همراه بیاورند که اثرات آن را در افزایش نسبی کیفیت مقالات در سال‌های اخیر می‌توان مشاهده کرد. ولی در اینجا نیز عدم تعریف جدی اهداف نشریات در توسعه دانش و دنبال کردن تفکر حفظ بقایای نشریه به هر قیمت ممکن تحریک کافی را از استادان برای تعریف موضوعات اصیل سلب کرده است. واقعیت این است که جغرافیای معاصر با تأکیدات عمده بر تحلیل فضایی، تعامل انسان-محیط، و تحلیل‌های مبتنی بر مکان و منطقه‌ای ماهیت ذاتی بین رشته‌ای خود را

1. European Association of Geographers (EUROGEO)
2. Bourke
3. Krevs
4. Koutsopoulos and Stel
5. Rossotto Ioris
6. Nedkov
7. O'Reilly
8. Miguel González

با ظرفیت بالا برای ارتباط و تعامل با رشته‌های متعدد دیگر به نمایش می‌گذارد (بایروالد^۱، ۲۰۱۰) و در سامانه مطالعات بین رشته‌ای مخصوصاً در نشریات وابسته به مدیریت محیطی نمونه‌های پژوهشی زیادی را ارائه می‌دهد (مانند رایت و همکاران، ۲۰۲۲ و پنفاند و واز، ۲۰۲۲) که سطح علمی آن‌ها را نمی‌توان با تحقیقات منتشر شده تکراری ایران مقایسه کرد و این قضاوت را در باره تغییر رویکرد یا توسعه جغرافیا و حرکت امیدوارکننده به سوی آینده برای جغرافیای ایران دشوار می‌کند.

تجربه ده ساله نشریه جغرافیا و پایداری محیط نشان می‌دهد که هر گونه تلاش برای خروج از این بن بست، به دلیل عملکرد معیوب سامانه علمی امیدوارکننده نبوده است. تأکید شدید به اهداف توسعه دانش با روش‌های علمی و اخلاقی، از جلوگیری از چاپ مقالات دست اندرکاران نشریه گرفته تا ایجاد ارتباط با مخاطبان از طریق سخن سردبیر، ارائه چارچوب نگارشی استاندارد تا تدوین سیاستها برای ایجاد امکان سنجش سریع اعتبار پژوهش‌ها و عیان سازی دستاوردها، ارزیابی سریع مقاله، دریافت کمترین هزینه داوری و تغییر خط و مشی‌های تشویقی انگیزه‌ها و تغییر عادت‌ها از جمله این اهرم های تاکارآمدی بوده است که تنها توانسته است این نشریه را برای دریافت نمایه‌های بین المللی و نشریات پر استناد از نظر چاپ مقالات علمی آماده کند، ولی نتوانسته است به اهداف و آرمان‌های خود که بهبود رویکردهای جغرافیایی و ارتقای سطح دانش جغرافیا بود، با سرعت مورد انتظار جامعه عمل ببوشاند؛ البته در این راه ناامید نشده و با تغییر خطومشی که با تغییر سردبیر می تواند رخ دهد، شانس خود را دوباره خواهد آزمود. ولی امید اصلی زمانی به دست خواهد آمد که سامانه علمی جغرافیا متشکل از عناصر انجمن‌ها، سیاستمداران و نشریات جغرافیایی به طور هماهنگ برای ارتقا علم تلاش کنند.

نتیجه گیری

جغرافیای ایران در گذشته نتوانسته است به اندازه‌ای که شایسته آن است در پژوهش های علمی و کاربردی مشارکت داشته باشد. در سال‌های اخیر نیز علی‌رغم اینکه گسترش رویکرد مطالعات بین‌رشته‌ای نتوانسته است جغرافیا را در سطح بین‌المللی به حاشیه براند، در ایران خیلی از موضوعات جدید جغرافیایی نیز به وسیله غیرمتخصصین تصاحب می‌شود و متخصصین جغرافیا به سه دلیل در این فرایند نمی‌توانند بر مشکلات فائق آیند: حمایت ضعیف سیاستمداران جغرافی‌خون، ایفای نقش ضعیف انجمن های علمی و مخصوصاً انجمن جغرافیایی ایران و بالاخره عملکرد ضعیف نشریات جغرافیایی.

صرفنظر از اینکه این عوامل در داخل یک سامانه جغرافیایی تکامل می‌یابد و برای حل مشکلات علم نیاز به ترمیم عمیق در این ساختار احساس می‌شود ولی تعهد کاری مخصوصاً جغرافی‌دانان در سه عنصر یاد شده مقدمات تغییر می‌باشد. از این‌رو، اساسی ترین اقدام برای نجات جغرافیای ایران، ایجاد مرز بین فعالیتهای علمی و اجرایی است که هر یک با تقسیم کار انرژی را در حوزه خاص معطوف کنند و سپس با مشارکت و هم‌فکری همدیگر مشکلات جامعه را به‌راحتی حل نمایند. با استناد به اصول علمی می‌توان گفت که در متن این فرایند نیز بخش مهمی از مسائل علمی جغرافیا و تحصیل‌کردگان آن به تدریج حل خواهد شد، زیرا انجمن‌های علمی فعال می‌شوند، همکاری جدی جغرافی‌دانان با انجمن‌ها به‌وقوع می‌پیوندد و کمکهای ادرای سیاستمداران تحصیل کرده جغرافیا هماهنگ با درخواست

انجمن‌ها صورت می‌گیرد. در چنین فضایی است که امکان انجام تحقیقات فراهم شده و نشریات علمی نیز خود را موظف به هدایت و سخت‌گیری در چاپ تحقیقات اصیل خواهند نمود.

منابع

خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). میان‌رشته‌گی و مسائل آن در آموزش عالی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱(۲)، ۸۵-۱۰۱.

References

- Baerwald, Th. J. (2010). Prospects for Geography as an Interdisciplinary Discipline, *Annals of the Association of American Geographers*, 100 (3), 493-501, DOI: 10.1080/00045608.2010.485443
- Bourke, T. H., Mills, R. & Lane, R. (eds.) (2022). Assessment in Geographical Education: An International Perspective, Key Challenges in Geography Series, Springer International Publishing.
- Cooke, R.U. & Doornkamp, J.C. (1990). *Geomorphology in Environmental Management. 2nd Edition*, Oxford University Press, Oxford.
- Geographyrealm Site: <https://www.geographyrealm.com/what-are-the-top-geography-programs-in-2020>
- Jacob, W. J. (2015). Interdisciplinary trends in higher education. *Palgrave communications*, 1(1), 1-5.
- Khorsandi Taskoh, A. (2009). Interdisciplinarity and its Challenges in Higher Education, *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 1 (2), 85-101 (In Persian).
- Klein, J. T. (2000). *A Conceptual Vocabulary of Interdisciplinary Science*. || In Practicing Interdisciplinarity. Edited by P. Weingart and N. Stehr.
- Koutsopoulos, K. C. & Stel, J. H., (2021). *Ocean Literacy: Understanding the Ocean, Key Challenges in Geography Series*, Springer International Publishing.
- Koutsopoulos, K., de Miguel González, R., & Donert, K. (Eds.). (2019). *Geospatial Challenges in the 21st Century*. Springer.
- Kreves, M.(ed.), (2021). *Hidden Geographies, Key Challenges in Geography Series*, Springer International Publishing.
- Miguel González, R. F., Donert, K. & Koutsopoulos, K., (Eds.) (2019). *Geospatial Technologies in Geography, Key Challenges in Geography Series*, Springer International Publishing.
- Murck, B. W., Skinner, B. J., Porter, S. C., & Mortimer, Z. (1998). Dangerous Earth. An Introduction to Geologic Hazards. *Pure and Applied Geophysics*, 152(1), 178-178.
- Nancarrow, S. A., Booth, A., Ariss, S., Smith, T., Enderby, P., & Roots, A. (2013). Ten principles of good interdisciplinary team work. *Human resources for Health*, 11(1), 1-11.
- National Committee of Inquiry into Higher Education (1997) *Report of the National Committee. (Chairman: Sir Ron Dearing)*. Available from: www.leeds.ac.uk/educol/ncihe/nr_001.htm [5 January 2007].

- Nedkov, S., Zhelezov, G., Ilieva, N., Nikolova, M., Koulov, B., Naydenov, K. & Dimitrov, S. (Eds.) (2020) *Smart Geography: 100 Years of the Bulgarian Geographical Society, Key Challenges in Geography Series*, Springer International Publishing.
- O'Reilly, G., (2019). *Aligning Geopolitics, Humanitarian Action and Geography in Times of Conflict, Key Challenges in Geography Series*, Springer, Cham.
- O'Reilly, R. (ed.) (2020). *Places of Memory and Legacies in an Age of Insecurities and Globalization, Key Challenges in Geography Series*, Springer International Publishing.
- Penfound, E. & Vaz, E., (2022). Analysis of 200 years of changing in Ontario wetland system, *Applied Geography*, 138, DOI: 10.1016/j.apgeog.2021.102625
- Peterson, R. W. (1990). Why not a separate college of integrated studies. *Rethinking the curriculum: Toward an integrated, interdisciplinary college education*, 215-226.
- Rossotto Ioris, A.A., (2020). *Frontier Making in the Amazon: Economic, Political and Socioecological Conversion, Key Challenges in Geography Series*, Springer, Cham.
- Weingart, P. & Stehr, N. (eds) (2000). *Practising Interdisciplinarity*. London: University of Toronto Press.
- Wright, J., Cathcart, E., Walther, S., & O'Shea, B. (2022). Role of climate and geography in arsenic mobility and risk at an artisanal mining site in an urbanized semi-arid environment. *Journal of environmental management*, 304, 114163.